



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۲۷

نویسنده: ن . جلیل زاد

نهضت امانی با مردم بیگانه نیست

نهضتی که در دل تاریخ افغانستان، همچون سپیده ای ناگهانی درخشید، سپیده ای که می خواست تاریکی جهل را کنار بزند و انسان را به کرامت خویش بازگرداند .

روح آن نهضت، برای ما، نسل امروز، فقط یک خاطره نیست، یک مسئولیت است .

ما می دانیم که آن دهه پر آشوب، تنها از نور ساخته نشده بود، سایه هم داشت، لغزش هم داشت، شتاب هم داشت .

ما با چشمان باز به آن می نگریم، با آگاهی، با نقد، با شهامت .

ما اشتباهات را می بینیم، اما آن ها را بهانه ای برای فراموشی نمی سازیم .

زیرا احترام، زمانی اصیل است که همراه با صداقت باشد .

نهضت امانی، برای ما، پیش از آنکه یک فصل از تاریخ باشد، یک «جهت» است، جهت حرکت به سوی دانایی، به سوی عدالت، به سوی انسان شدن .

و اینجا، در کنر، در میان کوه هایی که آسمان را لمس می کنند، این جهت، دوباره زنده شده است .

صبح های کنر، وقتی مه از روی رودخانه آهسته کنار می رود، گویی تاریخ از خواب بیدار می شود .

جوانان، با کتاب هایی در دست و امیدی در دل، از میان درختان می گذرند .

صدای گام هایشان، شبیه نوید است .

آن ها نه تفنگ دارند و نه فریاد خشونت، آن ها با اندیشه آمده اند، با قلم، با ایمان به آینده .

دختران کنر، آه، چه شکوهی دارند!

در نگاه شان، هم حیا موج می زند و هم جسارت .

آن ها می دانند که راه آسان نیست، اما ایستاده اند .

با هر صفحه ای که می خوانند، دیواری از جهل فرو می ریزد .

با هر قدمی که برمی دارند، افق کمی روشن تر می شود .

من، دختر کنرها، در میان همین رؤیاها قد کشیده ام .

در میان صدای پرندگان، در میان بوی باران، در میان قصه هایی که مادران در شب های طولانی زمستان روایت می کنند .

کنر، برای من، شهر خیال است، اما خیالی که از حقیقت زیباتر است .

رودهایش مثل شعر جاری اند ۳ کوه هایش مثل سکوتی عمیق و پرمعنا .

هر دره اش، داستانی دارد، هر درختش، خاطره ای .

و در دل همین زیبایی، جوانانی ایستاده اند که می خواهند تاریخ را از نو بنویسند، نه با خون، بلکه با خرد .

آن ها می گویند:

«ما ادامه یک رؤیا هستیم» .

رؤیایی که زمانی در کابل آغاز شد، اما هنوز در دل های ما زنده است .

ما می دانیم که راه اصلاح، راهی طولانی است . می دانیم که هر پیشرفت، بهایی دارد .

اما ما از گذشته آموخته ایم که شتاب بی محابا، می تواند رؤیاها را به سقوط بکشاند .

پس این بار، آهسته تر می رویم، اما عمیق تر .

با مردم، نه جدا از مردم .

با فهم، نه با تحمیل .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

نهضت امانی، اگرچه در تاریخ متوقف شد، اما در روح ما ادامه دارد.
در هر کتابی که خوانده می شود،
در هر دختری که به مکتب می رود،
در هر جوانی که به جای نفرت، اندیشه را انتخاب می کند.
و کنرها، این سرزمین آرام و پرشکوه، امروز گهواره این بیداری است.
گاهی، وقتی به آسمان نگاه می کنم، حس می کنم که تاریخ، هنوز ما را می بیند.
که شاید، در جایی از این پهنا بی کران، روح آنانی که برای آزادی جنگیدند، لبخند می زنند.
ما به آن ها قول داده ایم،
که این بار، رویا را ناتمام نخواهیم گذاشت.
من دختر کنرها هستم.
از سرزمینی که درد را می شناسد، اما تسلیم نمی شود.
از مردمی که شاید بارها شکست خورده اند، اما هرگز امید را دفن نکرده اند.
و امروز، در دل این کوه ها، در کنار این رودها، در میان این درختان سبز، یک زمزمه در حال بلند شدن است،
زمزمه ای از آینده.
آینده ای که در آن، نهضت امانی فقط یک خاطره نیست، بلکه یک واقعیت زنده است.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ